



اعزام لشکر ۳۶ زرهی ارتش رژیم صهیونیستی به شمال لبنان چه تحولی در جنگ را نشان می‌دهد؟

# موفقیت لبنان در ماموریت غزه



سید مهدی طالبی، خبرنگار گروه جهان‌شهر

صهیونیست‌ها با وجود تعداد بالای سربازان و حجم زیاد تجهیزات نظامی، به دلیل محاصره شدن توسط میدان‌های جنگی متعدد در محیطی کوچک مجبورند همانند هیتلر در جریان محاصره برلین پراسترس بجنگند- جایی‌که رهبر آلمان نازی با نیرو و تجهیزات اندک باقی‌مانده باید با ارتش‌های متفق می‌جنگید- و شاید با اقدامی مانند صدور دستور حمله به لبنان دست به خودکشی بزنند. فشار سنگین جبهه لبنان باعث شد تا براساس آنچه رادیو ارتش رژیم صهیونیستی روز ۲۲ بهمن گزارش کرد، «هرتز هالوی» رئیس ستاد مشترک این ارتش دستور بدهد لشکر۳۶ زرهی به‌طور کامل از جنگ غزه خارج شده و در مرز با لبنان مستقر شود. این انتقال در زمان نیاز شدید ارتش رژیم به این یگان در جریان جنگ غزه رخ داده است؛ اتفاقی‌که حکایت از گرم‌تر شدن وضعیت دیگری‌ها در جبهه شمال در مجاورت مرزها با لبنان و جولان اشغالی دارد.

مقاومت لبنان برای حمایت از مقاومت غزه از روز دوم جنگ عملیات علیه ارتش رژیم را آغاز کرده است. طبق بیانیه مقاومت اسلامی لبنان از ۸ اکتبر تا ۱۱ فوریه ظرف مدت ۱۲۷ روز، ۱۰۱۳ عملیات توسط این گروه علیه رژیم به انجام رسیده است.

این عملیات‌ها باعث شده ۸۰ هزار صهیونیست بدون آنکه مقاومت لبنان آنها را هدف گیرد، تنها به دلیل هراس از وقوع اتفاقی مشابه ۱۷ اکتبر و حمله ناگهانی و زمینی، شهرک‌های خود را به سمت مناطق داخلی فلسطین اشغالی ترک کنند. آنها شرط کرده‌اند تنها در صورت عقب‌نشینی مقاومت لبنان به پشت رودخانه لیطانی به خانه‌های خود باز می‌گردند. این شرط باعث شده تل‌آویو نیز بیروت را به آغاز جنگ تهدید کند. رژیم طی هفته‌های اخیر و درحالی‌که نیروهای خود را به دلیل تلفات و خستگی از جنگ غزه خارج کرده و به مقر اصلی خود در شمال منتقل می‌کرد، ادعا داشت که این اقدامش «باژگشت نیروها» نیست بلکه «انتقال نیروها» برای جنگ با لبنان است. با این وجود عدم ظرفیت رژیم برای آغاز جنگ در جبهه لبنان موضوعی قابل لمس است. گردان‌های قسام در آخرین اطلاع‌رسانی خود از مجموع حملاتش به تجهیزات زرهی رژیم اعلام کرده از آغاز جنگ در غزه ۱۱۰۸ خودروی زرهی اشغالگران اسرائیلی ازجمله ۹۶۲ تانک، ۵۵ نفر، ۷۴ بولدوزر، ۳ بیل مکانیکی نظامی و ۱۴ جیب نظامی مورد هدف قرار گرفته‌اند. تعداد تانک‌های آسیب دیده، یک سوم کل تانک‌های عملیاتی رژیم است. هرچند نمی‌توان با اطمینان از نیات صهیونیست‌ها صحبت کرد اما به نظر می‌رسد آنها توانایی آغاز جنگی شدیدتر از غزه را ندارند.

### اهمیت لشکر ۳۶ و انتقال آن

یگان‌های زمینی ارتش رژیم به سه دسته «سپاه زرهی»، «سپاه پیاده» و «سپاه توپخانه» تقسیم می‌شوند. به‌طور معمول برای بررسی استعداد یگان‌ها، صرفاً نیروهای پیاده و زرهی مورد محاسبه قرار می‌گیرند. ارتش رژیم دارای دو نوع یگان به لحاظ نحوه ماموریت نیروهای انسانی است. دسته نخست یگان‌های فعال هستند که بدنه اصلی نیروی زمینی را تشکیل می‌دهند. نیروهای این یگان‌ها به‌صورت تمام‌وقت در اختیار ارتش هستند و به همین دلیل آموزش دیده‌تر نیز به حساب می‌آیند.

دسته دوم را نیروهای ذخیره تشکیل می‌دهند. نیروهای ذخیره کسانی هستند که پس از اتمام «سربازی عادی» وارد دوره «سربازی ذخیره» شده و تا سن مشخصی جزئی از یگان‌های ذخیره خواهند بود. این سربازان ذخیره همانند سربازان عادی به‌صورت تمام‌وقت در اختیار ارتش نیستند اما در سال چند روزی یا چند هفته برای حفظ آمادگی در یگان‌های محل خدمت خود حضور یافته و به تمرین می‌پردازند. از این رو «سپاه‌های نیروی زمینی ارتش رژیم دارای دو گروه از یگان‌ها هستند: یگان‌های فعال با کادر تمام وقت نظامی و یگان‌های ذخیره که تنها در دوران تشدید تنش و جنگ فراخوانده می‌شوند و در مابقی ایام به خدمت و آموزش نیمه‌وقت می‌پردازند. با توجه به این تعاریف بهتر می‌توان ساختار نیروی زمینی ارتش رژیم را درک کرد. «سپاه زرهی» دارای ۴ تیپ فعال و ۹ تیپ ذخیره است. «سپاه پیاده» نیز دارای ۴ تیپ فعال و ۱۳ تیپ ذخیره است. سپاه زرهی در مجموع ۱۳ تیپ و سپاه پیاده در مجموع ۱۹ تیپ دارند. در مجموع نیروی زمینی دارای ۱۰ تیپ فعال، ۲۲ تیپ ذخیره و در کل از ۳۲ تیپ بهره می‌برد. لشکر ۳۶ لقب «گاش» را که «خشم» معنی می‌دهد یدک می‌کشد و دارای ۴ تیپ است. ۲ تیپ آن پیاده و ۲ تیپ آن زرهی هستند. ۳ تیپ این لشکر جزء یگان‌های فعال و تنها یک تیپ پیاده آن جزء یگان‌های ذخیره است. تیپ ۱ پیاده موسوم به «گولانی» که مهم‌ترین یگان نیروی زمینی ارتش رژیم است به همراه تیپ ۶ پیاده، دسته پیاده نظام لشکر را تشکیل می‌دهند. تیپ ۷ زرهی و تیپ ۱۸۸ زرهی نیز جزء دسته زرهی لشکر هستند.

نکته مهم آنکه لشکر۳۶ دارای ۳ تیپ فعال از میان ۱۰ تیپ فعال نیروی زمینی است و تنها یکی از تیپ‌های ذخیره آن جزئی از ۲۲ تیپ ذخیره به شمار می‌رود. بر همین اساس لشکر۳۶، ۳۰ درصد یا یک‌سوم یگان‌های فعال نیروی زمینی را در اختیار دارد. تا پیش از این ارتش رژیم تنها یگان‌های ذخیره خود را در شمال مستقر کرده بود. این درحالی‌بود که لشکر۳۶ تحت هدایت فرمانده‌های شمال مستقر در شهر «صغد» قرار داشت و برای ماموریت راهی جنوب و جنگ در غزه شده بود. انتقال این لشکر به شمال با مخالفت فرماندهی جنوب که دیگر جنگ در غزه است روبه‌رو شده اما «عود باسیوک»، رئیس اداره عملیات طی هفته‌های اخیر بر لزوم حذف این لشکر از غزه و انتقال آن به شمال تأکیدکرده و گفته که باید یک لشکر منظم جایگزین نیروهای ذخیره حاضر در مرز لبنان شوند.

### تقویت جبهه شمال نشان‌دهنده چیست؟

تقویت یگان‌های ذخیره با یگان‌های فعال در جبهه شمالی می‌تواند هم‌زمان نشان‌دهنده چند تحول باشد. یک تحول تشدید عملیات‌های مقاومت لبنان در شمال فلسطین اشغالی است. این نیروها تأکید کرده بودند عملیات‌هایشان مرتبط با اوضاع انسانی و میدانی در غزه است و با بروز هر تغییر در این موضوعات، درگیری‌ها در شمال فلسطین اشغالی نیز دچار تغییر خواهند شد. طبق آمارهای شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم میزان تخریب پنج استان غزه به این ترتیب است: استان شمال ۷۲ درصد، استان مرکزی با بدیلج ۳۹ درصد، استان خان یونس ۴۶ درصد و استان رفح ۲۰ درصد کاملاً تخریب شده‌اند. ارتش رژیم که تا کنون به شکل زمینی در شمال و مرکز غزه حضور یافته بود قصد دارد به‌صورت زمینی وارد استان رفح نیز بشود. این منطقه که تا پیش از جنگ ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت هم‌اکنون میزبان یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از دو میلیون

و ۳۰۰ هزار ساکن نوار غزه است. ۶۵ درصد یا دوسوم جمعیت نوار غزه در رفح متمرکز شده و تراکم این منطقه به ۱۲ هزار نفر در هر کیلومتر مربع رسیده است. نیروهای مقاومت لبنان با توجه به اوضاع وخیم انسانی در غزه بر شدت حملات خود علیه رژیم افزودند که شامل به‌کارگیری تسلیحات جدید از جمله موشک‌های پیشرفته ضدتانک الماس است که می‌توانند از جهات گوناگون به اهداف حمله کنند؛ این موشک‌ها محدودیت موشک‌هایی همانند کورنت را که باید در یک خط مستقیم پرتاب شوند، ندارند.

موضوع دیگری که باعث انتقال یا بازگرداندن یگان‌های فعال به شمال فلسطین اشغالی شده است، خستگی یگان‌های ذخیره است. در همین رابطه رادیو ارتش اسرائیلی گزارشی آورده است «اداره جنگ برای مدت طولانی در بیش از یک جبهه آن هم با محدود بودن نیروها پیچیدگی‌هایی دارد و ارتش مجبور شده است تا بخشی از نیروهای ذخیره در شمال و کرانه‌باختری را برای مدتی استراحت به مخصی بفرستد.» بیشتر از چهار ماه جنگ و حضور در شرایط عملیاتی که بهترین یگان‌های نظامی نیز قادر به حفظ آمادگی خود در آن نیستند، باعث شده تمام یگان‌های حاضر در جنگ رژیم دچار آسیب شوند. بر همین مبنا بود که تیپ ۱ گولانی چندی پیش برای بازسازی از غزه به عقب کشیده شد.

### وضعیت کلی ارتش رژیم

برای دستیابی به وضعیت کلی قوای نظامی رژیم، باید وضعیت سه شاخه زمینی، هوایی و دریایی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در بخش نیروی زمینی، یگان‌های ذخیره به دلیل طولانی شدن جنگ، به اصطلاح «بریده» و کم آورده‌اند. یگان‌های فعال نیز ضرباتی سنگین دریافت کرده‌اند که با توجه به آموزش‌های زمانبر نیروها، جایگزینی نیروهایشان به چند سال زمان نیاز دارد. برای فهم ابعاد این تلفات می‌توان به ضربات وارده به یک یگان ارتش در یک روز اشاره کرد. هرتیب در ارتش رژیم بین دو تا پنج هزار نیرو دارد. اگر تعداد نفرات تیپ گولانی را بیشترین میزان، یعنی پنج هزار نفر در نظر بگیریم، با توجه به کشته شدن ۲۲ نفر از نیروهای این تیپ در ۷ اکتبر، گولانی در روز نخست جنگ ۱٫۵ درصد از نیروهای خود را از دست داده است. این به غیراز نیروهایی است که به اسارت درآمده، معلول شده یا به شدت زخمی شده‌اند. در یک برآورد کلی، استعداد نیروی زمینی ارتش رژیم که دارای ۱۲۸ هزار نیروی فعال بود، با جذب ۲۲۰ هزار نیروی ذخیره به ۳۴۸ هزار نفر رسید. با این حال با توجه به پیچیدگی تیرهای غزه، تلاش شد از نیروهای فعال به نسبت ذخیره‌ها بیشتر استفاده شود؛ استفاده از نیروهای ذخیره تنها می‌توانست به بروز تلفات بیشتر بینجامد بدون آنکه آنها بتوانند در میدان موثر واقع شوند. براساس آمارهای منتشرشده توسط رسانه‌های رژیم، تعداد معمولان ارتش به چهار تا پنج هزار نفر رسیده است، حتی اگر سه هزار نفر از این معلولان را از میان یگان‌های فعال در نظر گرفته شوند، سه درصد نیروهای فعال رژیم در غزه معلول شده‌اند.

علاوه‌بر غزه، در شمال نیز دو هزار تلفات شامل کشته، معلول و زخمی روی دست صهیونیست‌ها مانده است. مشکلات صهیونیست‌ها اما تنها به آسیب‌های فیزیکی محدود نمی‌شود. براساس گزارش روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارائوت ۹ هزار نظامی رژیم از ابتدای جنگ درخواست مشاوره روانی داشته و یک‌چهارم آنها پس از این درخواست به نبردهای غزه بازنگشته‌اند. این تعداد معادل ۲٫۵ درصد از کل نیروهای

نظامی فعال و ذخیره در بخش زمینی ارتش رژیم هستند. فشار به پرسنل زمینی ارتش رژیم باعث شده طی هفته‌های اخیر قوانین سربازی در فلسطین اشغالی تغییر کند. در تغییرات جدید در «سربازی عادی» مدت سربازی مردان از ۳۲ ماه به ۳۶ ماه و زنان از ۲۴ به ۳۶ ماه افزایش می‌یابد که شامل حال شمولان فعلی نیز می‌شود. همچنین در «سربازی ذخیره» نیز تعداد روزهای حضور در یگان‌های ذخیره سه‌برابر می‌شود. براساس قانون جدید، هر یک از نیروهای ذخیره به‌طور متوسط سالانه ۲۲ روز، فرماندهان ۷۰ روز و افسران به‌طور متوسط ۸۴ روز ذخیره در سال مجبور خواهند شد در یگان‌های ذخیره حاضر شوند. در بخش هوایی آسیب‌ها از نیروی زمینی کمتر است اما فرسایش جنگ دامنگیر آن نیز شده است. در بررسی بخش هوایی بدون توجه به نهاد کنترل‌کننده سامانه‌های پدافند هوایی، این بخش در کنار یگان‌های دارای جنگنده بررسی می‌شوند. فلسطین اشغالی در جنگ کنونی از سمت جبهه‌های غزه، لبنان، سوریه، عراق و یمن مورد حمله خمپاره، راکت، موشک‌های بالستیک تاکتیکی و مینابرد، موشک‌های کروز و پهپاد‌های انتحاری قرار گرفته است. تنها در جبهه غزه ۱۴ هزار راکت به سمت رژیم پرتاب شده است. این موضوع باعث کاهش ذخایر موشک‌های پدافندی رژیم شده که جایگزینی آنها زمانبر است. در حوزه هوایی نیز نیاز به بمباران چندین‌باره نوار غزه، فشار زیادی به ذخایر مهمات و بمب‌های رژیم وارد کرده است. از این رو نیروی هوایی در بخش جنگنده‌ها با مشکل از دست رفتن یا حتی معضل‌های تعمیراتی به دلیل ساعات بالای پروازی مواجه نیست، اما در بخش مهماتی دارای ضعف‌هایی شده است؛ با این حال همچنان زهدارترین قسمت ارتش رژیم نیروی هوایی است. در بخش دریایی، هرچند ناوهای رژیم در حملات علیه غزه مشارکت دارند اما به‌طور کلی نیروی دریایی در جنگ کنونی نقش کمی ایفا می‌کند. تل‌آویو تنها در دریای سرخ با تهدید در دریا روبه‌رو شده که آن تهدید نیز دریاپایه نیست؛ به این معنی‌که ارتش یمن بیشتر از آنکه با شناورهای خود به کشتی‌های تجاری رژیم حمله کند، آنها را با موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد‌های انتحاری هدف قرار می‌دهد. همچنین دربرودن این منطقه از فلسطین اشغالی و وسعت تهدید آن خارج از توان رژیم بوده و آمریکا و انگلیس مجور شده‌اند به‌طور مستقیم وارد تیردهای با ارتش یمن شوند.

توان‌تھا جمعی متعارف ارتش رژیم را باید تنها در نیروی زمینی و هوایی آن خلاصه کرد. نیروی زمینی به‌شدت تضعیف شده و به نظر نمی‌رسد آماده نبردی بزرگ باشد ولی نیروی هوایی به جز در بخش مهمات به لحاظ تجهیزاتی و نیروی انسانی سالم مانده است. محور مقاومت از امکانات لازم برای مهار نیروی هوایی رژیم برخوردار نیست چه اینکه ساقط کردن یک یا دو پهپاد یا حتی جنگنده نمی‌تواند به مهار نیروی هوایی رژیم به شکل فنی بینجامد اما راه‌هایی برای خنثی‌سازی آن وجود دارد. جنگ‌ها اساساً زمین‌پایه هستند، به‌ویژه جنگی که در خانه و نزدیکی آن و همچنین در محیطی بسیار کوچک باشد؛ وضعیتی که رژیم در آن قرار گرفته است. رژیم در تهدید لبنان به جنگ، خواهان یک نبرد دوراستاس‌ت که در آن نیروهای زمینی تنها نقش حفاظت از مرزها برای جلوگیری از نفوذ نیروهای مقاومت را برعهده دارند و نیروی هوایی در اعماق آسمان لبنان را ویران می‌کند. اگر مقاومت بتواند رژیم را با یک تهدید معتبر درخصوص هجوم زمینی روبه‌رو کند فایده استفاده از نیروی هوایی رژیم برای سن‌تل‌آویو کاهش خواهد یافت.

## جشنواره رسانه‌های ایران

# رسانه‌های ایران

۲۹ بهمن تا ۲ اسفند ۱۴۰۲ | مصلاي-تهران



نوشته: «همه باید این ویدئوی ترامپ را تماشا کنند تا بفهمند که اروپا به زودی راهی جز دفاع از خود نخواهد داشت.»

جیمز جی استاوریدیس، در سال‌های چهارم ستاره‌یازنخسته‌نیروی دریایی که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ فرمانده عالی نیروهای متحد ناتو بود، گفت: «در اروپا ترس زیادی وجود دارد که ریاست جمهوری دوم ترامپ منجر به خروج واقعی ایالات متحده از ناتو شود؛ «این یک شکست استراتژیک و تاریخی بزرگ از سوی ملت ما خواهد بود.» مساله اصلی در اروپا این است که چه ترامپ در ماه نوامبر پیروز انتخابات شود یا نه، این واقعیت که چنین دیدگاهی از ناتو در میان تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌ها جا افتاده است نشان‌دهنده تغییری است که در سال‌های آینده بر دیدگاه اتحاد فرآتلاتنیک در اروپا تأثیر می‌گذارد.

ناتو که پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ صلح در اروپا و عمل به عنوان سنگری در برابر اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت، به ابزاری تبدیل شد که از طریق آن ایالات متحده با متحدان خود در مورد مسائل نظامی در سراسر جهان همکاری می‌کند. هدف اصلی آن -که قلب آن ماده دفاع جمعی است- معروف به ماده ۵، بیان می‌کند که حمله مسلحانه به هر عضو حمله علیه همه آنها تلقی می‌شود.» این به ویژه برای اعضای جدیدتر مانند لهستان و کشورهای بالتیک که زمانی تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بودند و همچنان از روسیه می‌ترسند، اطمینان‌بخش بود اما حالا وضعیت فرق می‌کند. اظهارات ترامپ به بحث در مورد همبستگی اروپا و یافتن راه‌هایی برای افزایش بیشتر بودجه برای بخش دفاعی این کشورها دامن زده است. دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان، در این باره گفته که «اگر اروپا به‌طور مؤثرتری از امنیت خود مراقبت نکند، اگر امنیت اروپا را صرفاً به‌آمدگی برای دفاع آمریکا وابسته کنیم، دیر یا زود ممکن است این وضعیت به فاجعه ختم شود.» ایده استقلال استراتژیک اروپا زمانی مفهومی عمدتاً فکری بود که توسط فرانسه و چند کشور دیگر حمایت می‌شد. به گفته مقامات متعدد در کشورهای اروپایی، امروزه حتی دیپلمات‌های برخی از متحدان سرسخت ایالات متحده در اروپای مرکزی و شرقی استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا به توانایی و قابلیت‌های لازم برای عمل -در داخل ناتو- و ایستادن روی پای خود نیاز دارد. فراتر از واکنش‌های فوری، با اظهارات اخیر ترامپ ممکن است وقتی رهبران اتحادیه اروپا در ماه آینده در بروکسل در نشست‌ی برای بحث درباره استراتژی صنعت دفاعی خود گرد هم می‌آیند، مجدداً بر نیاز اتحادیه اروپا برای توسعه بیشتر استقلال استراتژیک خود و سرمایه‌گذاری در دفاع تأکید شود.

شماره شناسه ۱۶۶۵۷۱۵ - شماره م.الف ۴۴۷۳

## شکست بدون جنگ

برای ۷۴ سال، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی مهم‌ترین اتحاد نظامی آمریکا بوده است. روسای جمهور هر دو حزب، ناتو را به عنوان نیرویی می‌دانستند که نفوذ ایالات متحده را با متحد

کردن کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس برای دفاع از یکدیگر افزایش می‌داد. با پیروزی دونالد ترامپ، نه در آمریکا و نه حتی در اروپا دیگر چنین نگاهی وجود نخواهد داشت. در یک سویی این اتحاد، دونالد ترامپ کاندیدای اصلی حزب جمهوری خواه قرار دارد که در سال ۲۰۱۸ قصد داشت آمریکا را از ناتو خارج کند. او که در روزهای گذشته بارها اعضای ناتو را تهدید کرده است، روز شنبه در جدیدترین سخنانش گفته در صورتی که رئیس‌جمهور شود، روسیه را تشویق خواهد کرد هر کاری که دلش می‌خواهد با اعضای ناتویی که هزینه‌هایشان در این ائتلاف را پرداخت نمی‌کنند، انجام دهد. این اظهار نظر، متحدان ایالات متحده به ویژه مقامات کشورهای کوچک‌تر و آسیب‌پذیرتر ناتو را نگران کرده است، زیرا آقای ترامپ قبلاً گفته است وارد شدن به جنگ با روسیه برای دفاع از کشور کوچکی مانند مونتنگرو را به نفع منافع ملی آمریکا نمی‌داند.

در سال‌های گذشته رهبران اروپایی به چشم‌انداز اتحاد بدون ایالات متحده آمریکا نیز فکر کرده بودند. بلومبرگ چندی قبل گزارش داد اتحادیه اروپایی سرورسدا شروع به تهیه یک ارزیابی تأثیر از پیامدهای انتخابات نوامبر ایالات متحده کرده است و توجه ویژه‌ای به سناریویی که در آن ترامپ برنده می‌شود، داشته است. برخی از دیپلمات‌ها و مقامات دفاعی اروپایی می‌گویند در واقع، این ارزیابی مجدد ماه‌هاست که در حال انجام است، هرچند که آنها فقط به صورت غیرعلنی در مآعام به آن اشاره کرده‌اند. آنها مدت‌ها قبیل از تهدید اخیر دونالد ترامپ بی‌سر و صدا در حال گفت‌وگو بودند که چگونه می‌توانند برای جهانی آماده شوند. که در آن آمریکا خود را به عنوان محور اصلی اتحاد ناتو، حذف می‌کند. تاکنون بحث در رسانه‌های اروپایی بر این موضوع متمرکز بوده است که آیا رئیس‌جمهور سابق در صورت بازگشت به قدرت، ایالات متحده را از ناتو خارج می‌کند یا خیر. اظهارات ترامپ بسیاری را در اروپا متحیر کرد، به ویژه پس از سه سال که جو بایدن، در تلاش برای بازگرداندن اعتماد به ائتلاف از دست‌رفته در طول ریاست جمهوری ترامپ، باها گفته بود ایالات متحده «از هر وجب از خاک ناتو دفاع خواهد کرد.» در برلین، «نوربرت روتگن»، یکی از اعضای کمیته روابط خارجی پارلمان آلمان، در پلتفرم رسانه اجتماعی ایکس